



جایگاه بحث و گفت‌وگو در فرایند آموزش به کودکان پیش از دبستان

اشاره

همه ما بزرگترها با کودکان سنین مختلف بسیار حرف می‌زنیم، از آن‌ها سؤال می‌کنیم و منتظر پاسخ‌هایشان می‌مانیم اما بسیار دیده می‌شود که کودکان از پاسخ دادن سر باز می‌زنند و با سؤال‌های ما به چالش کشیده نمی‌شوند یا شوق جواب دادن را ندارند؛ چرا؟ آیا بحث و گفت‌وگو با کودکان قاعده‌ای دارد؟ آیا در فرایند سؤال و پرسش باید به نکات خاصی توجه کرد؟ منظور از بحث‌های پایانه باز، مستقیم، پایانه بسته هدایت شونده، بحث‌های نیمه‌ساختاری و آموزشی چیست؟ در این مقاله، ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت بحث و گفت‌وگو در فرایند آموزش کودکان، سعی می‌شود این مفاهیم بررسی و روشن شوند.

اهمیت و ضرورت گفت‌وگو با کودکان

بحث و گفت‌وگو شیوه‌ای غنی و پرمایه برای افزایش ادراک کودکان است و به‌ویژه در محتوای یادگیری‌های تازه کاربرد بسیار دارد. این شیوه به کودکان کمک می‌کند تا ارتباط بین یادگیری و واقعیت‌های زندگی را دریابند. به چالش کشیدن کودکان در موضوعات مختلف، ذهن آنان را مستعد منطقی‌گرایی می‌کند و به مرور از آن‌ها انسان‌هایی می‌سازد که سکوت نکنند و درباره سؤال‌ها و پاسخ‌ها بیندیشند، تأمل کنند و به طراحی فکری بپردازند. بحث و گفت‌وگو در حقیقت می‌تواند باعث برقراری ارتباط میان گروهی از کودکان و مربیان درباره موضوع‌های گوناگون در خلال برنامه‌ها و فعالیت‌ها و کلیه امور روزمره شود. بعضی از بحث‌ها با کل کودکان در کلاس و بعضی نیز با گروه‌هایی حتی متشکل از دو یا سه کودک صورت می‌گیرد. این نوع ارتباط در مهدهای کودک، کودکان دبستان‌ها و مراکز پیش از دبستان به اشکال و انحاء مختلف برقرار می‌شود.

گاهی بحث از نوع مستقیم است. در این نوع از بحث، مربیان و بزرگ‌ترها کل مسئولیت را به عهده می‌گیرند و از کودکان سؤال می‌کنند و کودکان تقریباً شنونده و پذیرا می‌شوند. در اینجا، کودکان آزادی و فرصت و به جریان انداختن اندیشه‌ها و

علاقه‌مندی‌ها و ایده‌های خود را در کمترین حد ممکن پیدا می‌کنند.

در گفت‌وگو از نوع غیرمستقیم، کودکان نقش بسیار فعال‌تری دارند و آزادی، تأمل در کلمات و انتخاب تصمیم و حتی تقویت فکر کردن و تردید کردن و تشویق به پرسش از دیگران به حد بالا و اعلائی می‌رسد. بدیهی است همانند دیگر تدابیر و راهبردهای تدریس و آموزش برای کودکان، چنانچه مربیان پیش از دبستان همه تصمیم‌گیری‌ها درباره چگونگی و زمان استفاده از بحث را براساس هدف‌های آموزشی و تنها نیازهای کودکان به عهده بگیرند، مطمئناً کلاس از محوریت فرد بزرگ‌تر برخوردار خواهد شد و اختیار از کودکان گرفته خواهد شد. به همین دلیل، باید در مورد کودکان سنین پیش از دبستان احتیاط لازم را به خرج دهیم و بحث‌های فعال را به‌صورت با و به همراه کودکان بیشتر مورد نظر قرار دهیم؛ زیرا بحث و سؤال‌های یک‌طرفه در این سنین و در زمان آموزش کاربرد چندانی ندارد.

بحث‌های هدایت شده^۱ زمانی کاربرد دارند که مربی نقش هدایت‌کنندگی و حمایتی بیشتری را به عهده دارد. فرد بزرگ‌تر یا مربی درباره محتوا و موضوع یاد داده شده، سؤال‌هایی مطرح می‌کند. در اینجا، پاسخ‌های کودکان که معمولاً کوتاه هستند، درک و فهم آنان را آشکار می‌سازد. اگرچه مربی معمولاً یا پاسخ‌های کودکان را تقویت می‌کند و به آن‌ها پاداش می‌دهد و یا بدفهمی‌ها و ابهام‌هایشان را تصحیح می‌کند و روشن و شفاف می‌سازد، در هر حال باید پذیرفت که حتی پاسخ‌های نادرست کودکان دارای ارزش و اهمیت‌اند و نشان از تلاش برای فکر کردن و

بحث‌های هدایت شده زمانی کاربرد دارند که مربی نقش هدایت‌کنندگی و حمایتی بیشتری را به عهده دارد



مربیان هستند که تا حدود زیادی هدایتگری می‌کنند و کودکان را مرتبط با موضوع مورد نظر و پایبند به اظهار نظرهایشان نگه دارند. سؤال‌ها و بحث‌های پایانه باز در آموزش مفاهیم و محتواهای همچون علوم، مطالعات اجتماعی و بهداشت بسیار مناسب‌ترند. برای مثال، در ابتدای مطالعه درباره نقش‌ها و مسئولیت‌ها، می‌توان از کودکان خواست که درباره فعالیت‌ها و تکالیف روزمره خود در خانه بحث کنند و احساس خود را درباره کارهایی که به عهده دارند، بیان نمایند. این گونه بحث‌ها، کودکان را با موضوع نقش و مسئولیت اجتماعی‌شان بیشتر آشنا می‌کند و آن‌ها را یاری می‌دهد که ارتباط میان تجربه‌های واقعی زندگی خود و محتوای مطالعات اجتماعی مورد نظر در آموزش یادگیری را حفظ کنند. گفت‌وگو و بحث‌های نیمه‌ساختاری و آموزشی^۴ بین بحث‌های هدایت شده و پایانه باز فراهم می‌کند و در عین حال، نسبت به بحث‌های هدایت شده، به کودکان فرصت بیشتری برای تعامل می‌دهد. در بسیاری از بحث‌های نیمه‌ساختاری، کودکان و معلمان و مربیان در می‌یابند که بعضی از تولیدان فکری و پاسخ‌هایشان در جریان بحث‌ها شکل گرفته و به اصطلاح نتیجه موضوعات مطرح شده است و از آن‌ها ناشی می‌شوند. توجه به این نکته ضرورت دارد که سؤال‌ها و پاسخ‌های کودکان در جریان بحث و گفت‌وگو، می‌تواند بیش از همه به بزرگ‌ترها و مربیان کمک کنند تا درک بهتری از روند رشد شناختی و قدرت و قابلیت اندیشیدن کودکان پیدا کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Guided discussions
2. Co- action
3. Open- ended
4. Semi instructed

منابع

1. Janice J. Beaty, Skills For Preschool Teachers, Merrill Publishing Co.2014.
۲. مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۰). مبانی آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. سازمان سمت. ۱۳۹۰.

در گفت‌وگو از نوع غیرمستقیم، کودکان نقش بسیار فعال‌تری دارند و آزادی، تأمل در کلمات و انتخاب و تصمیم و حتی تقویت فکر کردن و تردید کردن و تشویق به پرسش از دیگران به حد بالا و اعلا می‌رسد

رسیدن، به راه‌حل، حتی به شکل نادرست، دارند. تحلیل این پاسخ‌های نادرست نیز ما را در فهم و درک کودکان و چگونگی نگرش آن‌ها به موضوعات مختلف کمک می‌کند. جانیس، بیته (۲۰۱۴) اظهار می‌دارد که «در بحث‌های هدایت شده، عمل مشارکتی^۲، به معنی با هم و به همراه یکدیگر بیشتر از کنش و واکنش یا تعامل بین مربی و دانش‌آموز رخ می‌دهد».

بحث و گفت‌وگوهای هدایت شده در کودکان و پیش از دبستان جایگاه خود را دارند. لازم است فرصت‌های چندگانه‌ای برای بده و بستن و تعامل اساسی نیز در مراکز پیش‌دبستانی فراهم گردد ولی کودکان نیاز دارند که قالب و محتوای بحث‌های هدایت شده را یاد بگیرند تا بتوانند توانایی‌های خود را برای تمرکز در مبنای و اساس یک مطلب و موضوع یادگیری بهبود بخشند.

درباره بحث‌های پایانه باز^۳ نیز مطلب بسیار است. از این نوع گفت‌وگوها برای آشنا کردن دانش‌آموزان و کودکان با محتوای جدید یا کمک به آن‌ها استفاده می‌شود. این نوع بحث به آن‌ها دست می‌دهد که بارش مغزی داشته باشند و بین تجربه‌های دیگران و یادگیری‌های خود ارتباط‌های معناداری ایجاد و یا مشاهده کنند. آن‌ها از این جهت پایانه باز هستند که پاسخ‌های درست و یا غلط برای آن‌ها وجود ندارد و به کودکان ایده‌هایی پیشنهاد می‌شود که بتوانند از حفظ و به یادسپاری پاسخ‌هایشان، فراتر بروند. البته این بدان معنی نیست که این مباحث بدون تمرکز یا نیت و مقصودند. کودکان خردسال به‌طور مکرر در تمرکز بر موضوعات غیرملموس یا حتی گذرا مشکل دارند و این بزرگ‌ترها و